



## بیانات دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین المللی قرآن کریم - 3 / مرداد / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به همه ی حضار محترم، برادران و خواهران عزیز، بخصوص قرّاء عزیز و محترم کلام الله مجید و میهمانان محترمی که از کشورهای اسلامی به اینجا تشریف آورده اند. امروز جلسه ی بسیار خوبی بود. من هم از دیدن شما تلاوتگران قرآن و عاشقان قرآن لذت بردم، هم از تلاوت بسیار خوبی که این قرّاء محترم در اینجا اجراء کردند، بهره بردیم.

سعی بکنیم که بهره ی ما فقط بهره ی فی المجلس و بهره ی گوش و چشم نباشد؛ دل ما بهره ببرد. قرآن برای عمل کردن است. قرآن برای فهمیدن و اندیشیدن است. اینهمه در دنیای اسلام گرفتاری برای چیست؟ چرا امت اسلامی با این عظمت ضعیف است؟ چرا؟ چرا برادران مسلمان در سراسر دنیا دل‌هایشان و دست‌هایشان با هم نیست؟ چرا؟ مگر این قرآن نگفته است: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا»؟ (1) مگر این قرآن نفرموده است که: «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين»؟ (2) چرا امت اسلامی عزتی را که شایسته ی اوست، امروز در دنیا ندارد؟ چرا؟ چرا ما در علم عقبیم؟ در جایگاه سیاست و تدبیر مسائل جهانی، چرا امت اسلامی عقب است؟ علت این است که به قرآن عمل نمیکنند؛ علت این است که قرآن - برخلاف ادعاهای ما - معیار و محور معرفت و عمل ما نیست. هر مقداری که به قرآن عمل کنیم، همان قدر اثرش را خواهیم دید.

ما در جمهوری اسلامی ایران سعی کردیم به تعالیم قرآن عمل کنیم؛ قدری موفق شدیم. به همان اندازه خدای متعال بالمعاینه به ما اثر این عمل کردن را نشان داد. در کار خدای متعال خلف وعده نیست: «و من اصدق من الله قیلا». (3) اگر خدای متعال به مؤمنین وعده ی نصرت میدهد، وعده ی استخلاف در ارض میدهد، وعده ی عزت میدهد، این وعده ها راست است. علت اینکه ما این وعده ها را در عرصه ی زندگی خودمان نمی بینیم، این است که ما به شرائط الهی عمل نمیکنیم؛ «و اوفوا بعهدي اوف بعهديکم»؛ (4) شما با پیمان من، به امر من عمل بکنید، من هم به آن پیمان عمل میکنم؛ خدای متعال این جوری گفته دیگر. این درس بزرگ ماست.

ما از این جلسات قرآنی، از این نشست و برخاستهای قرآنی، از این مسابقات قرآنی، از این دعوت از قرآنیان سراسر کشور، هدفمان این است که به این مقاصد نزدیک بشویم؛ میخواهیم با قرآن نزدیک بشویم؛ نزدیکی معرفت و نزدیکی عمل؛ همت باید این باشد. امروز دنیای اسلام تشنه ی عمل به قرآن است؛ و دشمنان اسلام این را نمیخواهند. بدیهی است که دشمنان اسلام صریحاً نمیگویند ما دشمن قرآنیم یا دشمن اسلام - «یخادعون الله و الذین امنوا»؛ (5) آنها با خدا هم خدعه میکنند، با بندگان خدا هم خدعه میکنند - آنها میگویند ما طرفدار اسلامیم، اما درست به همان نقطه ای که اسلام از ما میخواهد، به آن نقطه حمله میکنند.

امروز شما می بینید در بعضی از کشورهای اسلامی، طرح مسئله ی جهاد جرم است؛ در کتاب درسی نباید مسئله ی جهاد مطرح بشود، در گفتگوهای کسانی که به نحوی با دستگاه های دولتی مرتبطند، اسم جهاد و اسم شهادت نباید مطرح بشود. به این چیزها و به عمل ما حمله میکنند. اتحاد اسلامی را ضربه میزنند، دلها را نسبت به یکدیگر بدبین میکنند، مسئله ی سنی و شیعه، مسئله ی فریق گوناگون بین شیعیان، مسئله ی فریق گوناگون بین اهل تسنن؛ اینها



موضوع کارهای دشمنان اسلام است. نمی‌گویید من با قرآن مخالفم، اما با آنچه که محور تربیت و تعلیم قرآنی است، با او مخالفت می‌کند، که مثالش همین مثال وحدت است. چقدر خیرخواهان زحمت میکشند که بین برادران در دنیای اسلام اتحاد ایجاد کنند، يك وقت می بینیم از يك جا بمبی منفجر شد - بمب ضد وحدت - یا از آن طرف یا از آن طرف؛ فرقی نمی‌کند.

این چیزهاست که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم. ما مردم ایران هم همین جور. ما آنچه که می‌گوئیم، برای دیگران نیست؛ در درجه ی اول برای خودمان است. خود ما هم باید وحدت را حفظ بکنیم. ببینید همین آیاتی که الان خواندند: «و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخوانا - برادر شدید با هم - و کنتم علی شفا حفرة من الثار فانقذکم منها»؛ (6) اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. اینکه قرآن می‌گوید: «و اعتصموا بحبل الله جميعا»، یعنی همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسطتر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب میکند. می‌گوید اعتصام به حبل الله را جمیعاً بکنید، با هم بکنید. تو بگوئی من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او - دیگری - باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم، این طرف را نه؛ اینکه نمیشود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهای هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد. در گفتارمان مراقب باشیم. رد دیگران، طرد دیگران، به طور مطلق در سر مسائل درجه ی دو، مصلحت نیست. امروز ملت ایران، يك ملت یکپارچه است؛ يك ملت متحد است؛ این اتحاد را باید قدر دانست. ایجاد اختلاف نباید کرد.

من می بینم تو همین قضایای سه چهار روز اخیر باز بعضی ها می‌خواهند اختلافها و شکافها را بیشتر کنند؛ نه، نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه با هم برادرند، همه با هم همکاری باید بکنند؛ همه باید برای ساختن کشور به یکدیگر کمک بکنند. به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر يك امر، از همه ی آن چیزهایی که صلاحیت محسوب میشود، انسان او را نفی بکند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. خدای متعال در مورد دشمنان می‌گوید: «و لا یجرمکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی»؛ (7) اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی انصافی کنید، بی عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آن که دشمن هم نیست. بی عدالتی ها را همه کنار بگذارند؛ بی انصافی ها را همه کنار بگذارند؛ همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع بشوند؛ اصولی وجود دارد، به آن اصول همه پابندی خودشان را اعلام بکنند. در کنار هم باشند، اختلاف سلیقه هم باشد. چه اشکال دارد؟ همیشه اختلاف سلیقه بوده. در دورانهای مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب میشود. هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوءظن داشته باشیم. نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای نفسانی ماست؛ کجا نه، واقعاً احساس تکلیف است؛ و در احساس تکلیف هم دقت بکنیم که قدم از دایره ی تکلیف آنطرف تر نباید گذاشت؛ زیاده روی نباید کرد. آن وقت لطف خدا با ماست. همچنانی که تا امروز به فضل الهی، به حول و قوه ی الهی، لطف الهی با ملت ایران بوده است؛ بعد از این هم ان شاءالله خواهد بود.



همه به وظائفشان عمل کنند ؛ سعی کنید. سعی کنید. ما که عرض میکنیم همه به وظائفشان عمل کنند، این معنایش این نیست که حالا ما به همه ی وظائفمان، خودمان عمل میکنیم ؛ نه، «و ما ابرئ نفسی» ؛ ( 8 ) باید سعی بکنیم دیگر ؛ تلاشمان این باشد ؛ تقوا این است. تقوا یعنی تلاش و مراقبت برای انجام وظیفه ؛ این معنای تقواست. این تلاش را داشته باشیم، يك وقت هم اگر چنانچه لغزشی پیش آمد، آن وقت خدای متعال عفو خواهد کرد ؛ خدای متعال آن وقت از لغزشهای ما خواهد گذشت ؛ آن وقتی که ما مراقب باشیم.

امیدواریم که خداوند متعال به این نشستها، برخاستها، این جلسه ها، این تلاوتهها، این استماعها، این گفتن ها، شنیدن ها برکت عنایت کند ؛ همه ی ما را بیدار کند ؛ توفیق بدهد که ان شاءالله بتوانیم به وظائفمان عمل کنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- (1) آل عمران: 103
- (2) منافقون: 8
- (3) نساء: 122
- (4) بقره: 40
- (5) بقره: 9
- (6) آل عمران: 103
- (7) مائده: 8
- (8) یوسف: 53